

پنبه، آب و هوا و شتر

در ایران اوایل دوره اسلامی
لحظه‌ای از تاریخ جهان

نوشته ریچارد بولت

ترجمه شهرام غلامی
استادیار گروه تاریخ دانشگاه فرهنگیان

فهرست‌نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه: بولت، ریچارد ۱۹۴۰م.

Bulliet, Richard W.

عنوان و نام پدیدآور: پنبه، آب و هوا و شتر در ایران دوره اسلامی

عنوان دیگر: [کتاب]: لحظه‌ای در تاریخ جهان

مؤلف: ریچارد بولت

ترجمه شهرام غلامی

مشخصات نشر: نشر تاریخ ایران، ۱۳۹۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۸۷-۳۳-۷

یادداشت: عنوان اصلی: Cotton, climate and camels in early

Iran: a moment in world history, c2009.

موضوع: پنبه، ایران، تجارت، تاریخ.

Cotton trade, Iran, History.

موضوع: کشاورزی، ایران، جنبه‌های اقتصادی، ایران

Agriculture, Economic aspects, Iran, History

موضوع: ایران، بازرگانی، تاریخ

HistoryIran, Commerce, History

موضوع: ایران، تاریخ

Iran, History

شناسه افزوده: غلامی، شهرام، ۱۳۵۴، مترجم

شناسه افزوده: نشر تاریخ ایران

رده‌بندی کنگره: HD۹۰۸۶

رده‌بندی دیویی: ۳۳۸/۱۷۵۱

شماره کتابشناسی: ۵۷۱۸۵۵۲



نشر تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص)

تهران، خیابان فلسطین، ساختمان ۱۱۰، طبقه سوم، شماره ۳۰۴، تلفن: ۶۶۴۶۳۰۳۰

پنبه، آب‌وهوا و شتر در ایران اوایل دوره اسلامی

لحظه‌ای از تاریخ جهان

نوشته ریچارد بولت

ترجمه شهرام غلامی

حروفچینی، صفحه‌آرایی و نظارت: نشر تاریخ ایران

طرح جلد: فریبا علایی

چاپ و صحافی: القدير

چاپ اول: ۱۳۹۸

تیراژ: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۸۷-۳۳-۷

ISBN: 978-600-8687-33-7

قیمت: ۵۵۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ و در اختیار نشر تاریخ ایران است.

برای همسر مظاهره شریفی،
به پاس مهربانی و زحمات‌های بسیارش

فهرست مطالب

۹	مقدمه مترجم
۱۵	پیشگفتار نویسنده
۲۱	فصل اول: شناسایی عوامل ترقی کشت پنبه
۷۷	فصل دوم: اسلام و پنبه
۱۱۱	فصل سوم: سرمای بزرگ
۱۴۹	فصل چهارم: ترک‌ها و شتر
۱۸۹	فصل پنجم: لحظه‌ای در تاریخ جهان
۲۱۳	کتابشناسی
۲۲۱	نمایه

مقدمه مترجم

ریچارد بولت متولد ۱۹۴۰ در آمریکا است. تحصیلاتش را در رشته تاریخ در دانشگاه هاروارد تا درجه دکترا ادامه داد. چند سالی در دانشگاه‌های هاروارد و برکلی مشغول به تدریس بود و سپس به دانشگاه کلمبیا رفت و تاکنون در این دانشگاه به تدریس و پژوهش ادامه داده و بیشتر نوشته‌هایش توسط دانشگاه کلمبیا چاپ شده است.

روی هم رفته علاقه بولت به پژوهش درباره تاریخ تکنولوژی، حیوانات اهلی و تاریخ خاورمیانه است اما تمرکز پژوهش‌های تاریخی بولت بیشتر بر روی مطالعات خاورمیانه و جهان اسلام و به ویژه تاریخ ایران است. توجه بولت بیشتر به حوزه‌های خاصی از تاریخ و تمدن است که معمولاً سایر مورخان ایرانی و خارجی کمتر به آن توجه می‌کنند. از جمله بخشی از مطالعات بولت درباره نقش چهارپایان اهلی و بارکش مانند شتر، خر، اسب و شتر در تاریخ و تحولات اقتصادی جهان است. برای نمونه او در کتاب «شتر و چرخ» به بررسی نقش اقتصادی شتر در حمل و نقل کالا می‌پردازد و توضیح می‌دهد که چگونه به کارگیری زین افزار و باربری توسط شتر استفاده از چرخ و ارابه را به فراموشی و بعداً در پیشروهای چشمگیر نظامی مسلمان در فتح سرزمین‌های جدید مؤثر بود.

در کتاب پیش رو نیز بولت اهمیت پرورش شترهای دورگه برای حمل کالا در مسیر راه ابریشم توسط ترکمنانی که در مسیر این راه مهم کاروانی قرار داشتند، مورد بحث قرار داده و نشان می‌دهد که چگونه این کار به بخش اصلی حرفه ترکمنان تبدیل شد. در نهایت بولت در پیوند این مسئله با دگرگونی آب و هوایی نشان داده که چگونه این امر منجر به مهاجرت ترکمنان اُغز و در نتیجه دگرگونی‌های سیاسی - اجتماعی در ایران و خاورمیانه شد.

از جمله کارهای دیگر بولت علاقه وی به نقاشی و داستان نویسی است. به قول خودش بیش از ۴۵۰ اثر نقاشی دارد که بیشتر آنها را در هنگام کنفرانس‌ها و گوش دادن به سخنرانی‌ها کشیده است. او مدعی است که در این مواقع او بهتر می‌تواند نقاشی کند تا هنگامی که کاری انجام نمی‌دهد. رمان‌های او هم بیشتر در مورد سیاست‌های بین‌المللی و خاورمیانه است.

از جمله مهمترین آثار منتشر شده او که تاکنون به فارسی ترجمه شده عبارتند از:

گروش به اسلام: پژوهشی نوین در تاریخ اجتماعی اسلام، ترجمه محمدحسین وقار انتشارات نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۴.

البته عنوان درست‌تر این کتاب «پژوهشی در تاریخ کمی» است که بولت این عنوان فرعی را عمدتاً به کار برده است. در این کتاب بولت با کمی‌سازی مسائل کیفی و از روی دگرگونی نامگذاری افراد در کتاب‌های طبقات به برخی نتیجه‌گیری‌های کلی درباره روند گروش به اسلام در ایران پرداخته است.

در ستایش تمدن اسلامی - مسیحی، ترجمه سیروس فیضی، نشر کویر، ۱۳۹۳.
پیوند اسلام و مسیحیت، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶.

سایر آثار او که تاکنون به فارسی ترجمه نشده‌اند، به شرح زیر است:

The Patricians of Nishapur: a Study in Medieval Islamic History (1972),

اشراف نیشاپور: پژوهشی در تاریخ میانه اسلام

Islam: the View from the Edge, Columbia University Press, 1994 (1994).

اسلام: نگاهی از بیرون

Under Siege: Islam and Democracy, (1994).

تحت محاصره: اسلام و دموکراسی

The Camel and the Wheel, Harvard University Press, 1975

شتر و چرخ

Hunters, Herders, and Hamburgers: The Past and Future of Human-Animal Relationships Harvard University Press, (2005).

گذشته از اینها بولت در تدوین و ویراستاری چند اثر مهم نیز نقش داشته که از

جمله آنها عبارتند از:

The Columbia History of the Twentieth Century (editor, 1998),

The Encyclopedia of the Modern Middle East (co-editor, 1996),

The Earth and Its Peoples: A Global History (co-author, 1997).

او همچنین چند اثر داستانی کوتاه درباره موضوعات سیاسی بین‌المللی و خاورمیانه نوشته که در این خصوص می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

Kicked to Death by a Camel (1973)

Tomb of the Twelfth Imam (1979)

The Gulf Scenario (1984)

The Sufi Fiddle (1991)

The One-Donkey Solution (2011).

اظهارنظرها و مطالب انتقادی بولت درباره خاورمیانه بیشتر در روزنامه‌های گاردین و نیویورک تایمز چاپ شده است.

درباره کتاب حاضر

در این اثر بولت ضمن توجه به اهمیت مسائل فکری و نقش شخصیت در تغییرات تاریخی، نقش عوامل محیطی را برجسته کرده و با دیدگاهی جبرگرایانه نقش سایر عوامل مؤثر در تحولات تاریخی را مورد بررسی قرار می‌دهد. فرضیه اصلی کتاب این است که در سده‌های سوم و چهارم فلات ایران تحت کنترل عرب‌ها به منطقه مهمی برای تولید پنبه تبدیل شد. علت رشد تولید پنبه، منع استفاده از پارچه‌های ابریشم برای مردان و تأکید بر استفاده از پارچه پنبه‌ای در روایات اسلامی بود. اما در قرن پنجم کساد تدریجی در کل تولیدات کشاورزی به ویژه در تولید پنبه در منطقه شمال شرقی ظاهر شد. عامل اصلی این رکود سرد شدن بی سابقه آب و هوا بود که کم و بیش نزدیک یک سده طول کشید و در نتیجه همین مسئله باعث مهاجرت ترکمنان اغز و سلجوقی از آسیای میانه به ایران شد. زیرا ترکمنان نیز تا حد زیادی درگیر پرورش شترهای دورگه برای فروش به کاروان‌های مسیر راه ابریشم شده بودند. دامهایشان از این سرما تلف می‌شد و این امر یک عامل کلیدی برای مهاجرت آنها به سوی نواحی گرم‌تر جنوب می‌شد.

بولت در این اثر نیز با همان روش کتاب «گروش در اسلام» دست به کمی سازی

اطلاعات تاریخی زده و با تحلیل کمی اسامی روستاها و تحلیل القاب و اسامی علما در کتابهای طبقات به نتیجه‌گیری‌های جالبی دست یافته است. از دیدگاه بولت روند مسلمان شدن ایرانیان نه به طور شتابان بلکه تا حدود چهار قرن به درازا انجامید و در نهایت، ملاحظات سیاسی و اقتصادی در گروش ایرانیان به اسلام تأثیر مهمی داشت. وی از روی فراوانی القاب شغلی علما در خصوص مشاغل مرتبط با پنبه، معتقد است که تولید و تجارت پنبه و پارچه‌های پنبه‌ای در ایران تحت حاکمیت اعراب به دلایل مذهبی تا قرن چهارم به تدریج رشد یافت. به باور بولت تحریم پوشیدن لباس ابریشمی برای مردان در اسلام، و رشد شتابان گروش به اسلام از سده دوم باعث توسعه کشت پنبه در نواحی مرکزی فلات ایران شد. گذشته از این، ساده پوشی عرب‌ها و تلاش آگاهانه آنها برای حفظ هویت ظاهر و تمایز با غیر عرب‌ها و غیر مسلمانان در ترقی تولید پنبه مؤثر بود. همچنین خود علما و مدرسین دست‌اندرکار تولید و تجارت پارچه‌های پنبه‌ای با ساخت و پراکندن روایت‌هایی در تحریم پوشیدن لباس ابریشمی و بها دادن به پارچه‌های پنبه‌ای در رونق تولید و تجارت پنبه نقش بسزایی داشتند. در ادامه، بولت به بحث دربارهٔ یک سده از سرمای شدید می‌پردازد که هم باعث کساد روتق پنبه و کساد کل کشاورزی و هم مهاجرت گسترده ترکان به ایران در پی داشت. بولت برای اثبات فرضیه خود علاوه بر ارائه شواهد تجربی به دست آمده از غرب مغولستان، شواهد متعددی از منابع دورهٔ میانه دربارهٔ سرمای بی‌سابقه در گوشه و کنار ایران و وجود قحطی‌های گسترده خراسان و عراق بیان می‌کند. صرف نظر از داوری درباره درستی فرضیات بولت در خصوص ترقی پنبه، سرمای بزرگ و آمدن ترکان به ایران، باید گفت که ارائه این فرضیات می‌تواند الگوهای پژوهشی نوینی را پیش روی پژوهشگران تاریخ ایران قرار دهد. و امید است که این فرضیات و مدل‌های تحقیق راهنمای خوبی برای دانشجویان تاریخ باشد.

شیوهٔ ترجمه

نویسنده برای عنوان اصلی کتاب واژهٔ Climate به کار برده که در مطالعات جغرافیایی و هواشناسی این واژه بیشتر به صورت «اقلیم» در عربی و فارسی، در اصل کلمهٔ یونانی است که در گذشته در متون تاریخی و جغرافیایی عربی و فارسی به معنای مملکت، کشور و منطقه نیز به کار می‌رفته نه به معنای دوره طولانی آب و

هوایی. بنابراین چون گمان می‌رفت کاربرد واژه اقلیم برای خوانندگان فارسی‌زبان در یک متن تاریخی گمراه‌کننده باشد. برگردان این واژه را به اقلیم مناسب نیافتیم. گذشته از این نویسنده در بسیاری از موارد واژه Climate را همراه با اسامی خاص واحدهای جغرافیای سیاسی مانند ایران، چین و... به کار برده که ترجمه آن به «اقلیم» ممکن بود خواننده را گمراه کند و آن را به عنوان «کشور ایران» یا «کشور چین» برداشت کند. بنابراین با توجه به ساختار کل متن کتاب، در برابر واژه Climate عمداً عنوان «آب و هوا» را برگزیدیم. تا جای ممکن منابع فارسی با نقل قول‌های کتاب مطابقت داده شد. در خصوص منابع فارسی نویسنده خواه به دلیل ناتوانی در خواندن این متون و یا عدم دسترسی به اصل منبع، نقل قول‌ها را از روی ترجمه انگلیسی‌شان نوشته، که در بسیاری از اینها خطاهای آشکاری دیده می‌شد که با مقایسه متن اصلی این خطاها اصلاح شد. همچنین مواردی که پرسش برانگیز یا ناروا به نظر می‌رسید، در پاورقی توضیح داده شد. ارجاعات کتاب در قسمت پایانی کتاب بود که در اینجا به صورت زیرنویس نقل شده است. همچنین کتاب اصلی فاقد کتاب‌شناسی بود. اما در اینجا برای راهنمایی بهتر پژوهشگران و آشنایی آنها به سرچشمه‌های فکری نظریه نویسنده، از ارجاعات آن یک کتاب‌شناسی فارسی و لاتین به ترتیب فهرست الفبایی تنظیم شد.

در مورد یورش ترکان‌آغز و سلجوقی به فلات ایران ژرسش‌های زیادی وجود دارد که تاکنون مورخان پاسخ روشن و قانع‌کننده‌ای به آن نداده‌اند. بیشتر مورخان این یورش‌ها را به علت فشار قبیله‌ای برآمده از کمبود چراگاه‌ها عنوان کرده‌اند. بولت نیز این نظر را رد نمی‌کند اما یک عامل اصلی این جنگ‌ها را نزاع بر سر امکانات و منابع محدود طبیعی می‌داند که این کمبودها را ناشی از سرمای شدید و تغییرات آب و هوا می‌داند. اما پرسش باقی این است که نیاز مهاجمان سلجوقی و آغز به چراگاه تا چه حد بود که برای دستیابی به آن همه فلات ایران و خاورمیانه را زیر پا گذاشتند؟ اگر اینها تنها مشکل چراگاه داشتند چرا پس از آنکه سلطان محمد غزنوی مناطق مرو و نسا و... را در اختیارشان قرار داد همچنان به چپاول و کشتار مردم این نواحی ادامه دادند؟ چرا به رغم برآوردن نیازهایشان توسط وهسودان بن مملان فرمانروای روادای آذربایجان به کشتار و چپاول مردم مراغه و سایر شهرهای آذربایجان پرداختند؟ گذشته از این، آنگونه که بولت پنداشته است اگر تنها سرمای شدید و کمبود منابع در عرض‌های شمالی‌تر ترکان را وادار به مهاجرت کرده بود چرا آنها به جای اسکان در

قسمت‌های جنوبی ایران و عراق کنونی که گرمتر بود، بیشتر با رفتارهای غارتگرانه حرکت رو به غرب و تقریباً در همان عرض‌های جغرافیایی سرزمین‌های اصلی خودشان، به سمت آناتولی ادامه دادند؟

این پرسش‌های اساسی، فرضیه جنگ‌های قبیله‌ای و اجبار زندگی ناشی از کمبود چراگاه برای مهاجرت چپاولگرانه ترکمانان را تا حد زیادی بی‌اساس می‌کند. اگر گزارش منابع تاریخی درست باشد - البته دلیلی محکمی هم وجود ندارد تا منابع نوشته شده به اشاره خود همین فرمانروایان را بی‌اعتبار بدانیم - چنین می‌نماید که این مهاجمان که خانه‌هایشان بر پشت اسب‌ها و نان‌شان بر نوک نیزه‌هایشان قرار داشت، خود را مقید به زندگی در یک مکان خاص، خواه به صورت دامپروری یا کشت و زرع نمی‌دانستند. زیرا با این فرض هیچ دلیلی نداشت که با واگذاری مناطقی گسترده به آنها در خراسان و سپس در آذربایجان، همچنان به غارت و کشتار مردم بپردازند. به هر حال داده‌های تاریخی برای اثبات فرضیات بولت پراکنده و اندک است. اما همانگونه که بولت بدان اشاره کرده، اگر شواهد تاریخی این فرضیات گسترده و آشکار بود، پیش از وی دیگران نیز کتاب‌های بسیاری در باره آن می‌نوشتند. اهمیت کتاب در این است که نویسنده با برجسته سازی عوامل اقتصادی و محیطی فرضیه‌ای اساسی را پیش کشیده که ایران‌شناسان به آن توجهی نداشتند. در پایان بر خود لازم می‌دانم از افرادی که در ترجمه و فراهم آوردن این اثر مشوق و راهنمای من بودند قدردانی نمایم. نخست باید از سرکار خانم دکتر واله غلامی همکار ارجمند به خاطر خواندن قسمت‌هایی از ترجمه و یادآوری نکات سودمندی در این خصوص، تشکر کنم. از دوست عزیزم آقای دکتر محمد پورترکاری که با خواندن متن فارسی اشکالات تاپیی و نگارشی را یادآوری کردند، بسیار سپاسگزارم. همچنین لازم است تا از خانم منصوره اتحادیه مدیر انتشارات نشر تاریخ ایران و نیز از خانم پیرا که فرصت چاپ این اثر را فراهم آوردند، قدردانی نمایم. از همسر من خانم طاهره شریفی که در مدت ترجمه کمک کار من بودند و همچنین از پسرانم اهورا و ارشیا که در مدت ترجمه این کتاب احتمالاً در حقتشان کوتاهی کردم، سپاسگزاری می‌نمایم.

شهرام غلامی

عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان

مرداد ۱۳۹۶

پیشگفتار نویسنده

دعوت به ارائه سخنرانی‌های آقای یارشاطر در دانشگاه هاروارد از دو جهت مایه خوشوقتی من بود. نخست اینکه من استاد احسان یارشاطر را به عنوان یک همکار در دانشگاه کلمبیا بیش از سی سال است که می‌شناسم و از ایجاد فرصتی برای سپاسگزاری از کمک‌های فوق‌العاده ایشان در حوزه مطالعات ایرانی به ویژه در پروژه‌های بسیار ارزشمندی مانند دایرةالمعارف ایرانیکا و ترجمه تاریخ طبری به انگلیسی، استقبال می‌کردم. دوم اینکه من چهارده سال در دانشگاه هاروارد به عنوان دانشجو و استاد مربی سپری کرده و از بازگشت به جایی که سال‌های زیادی را در آنجا به خوشی گذرانده بودم لذت می‌بردم و اینکه دوست دیرینه‌ام پروفیسور روی متحده از بنده جهت سخنرانی دعوت به عمل آوردند و در طی یک هفته سخنرانی، مهمان‌نوازی بی‌دریغی نشان داد، این خوشوقتی را چند برابر کرد.

اما احساس کردم که این سخنرانی‌ها قدری ناخشنودی به بار آورده بود، زیرا از نتیجه‌گیری برخی از خوانندگان متوجه شدم که من در شرح و توضیح تفسیرهای پیچیده جدید از تاریخ اقتصادی ایران خود را به یک رویکرد جبرگرایانه از تاریخ متعهد کرده بودم. مورخان و دانشمندان علوم اجتماعی برای حدود دو سده به بحث‌های جدی در مورد نقش عامل فرد در امور انسانی مشغول بوده‌اند. مبارزه طبقاتی، شرایط محیطی، ظرفیت‌های فن‌آوری و فشارهای اقتصادی تنها در حوزه جبرگرایی، با این قانون و اصل محکم مواجه می‌شود که این اراده و انتخاب انسان است که عامل مسلط بر تاریخ می‌باشد نه عوامل مکانیکی.

شگفت این‌که در حوزه تاریخ خاورمیانه دوره پیشامدرن در باره این مباحث بسیار مهم، کم کار شده است. این مسئله به این خاطر نیست که تنها مورخان

خاورمیانه نسبت به مورخان سایر مناطق جهان [در میان عوامل محرک تاریخ] بیشترین تأثیر را به زندگی شخصیت‌های فاتح، حاکمان، حقوق‌دانان، متألهان و صوفیان نسبت می‌دهند. بلکه واقعیت این است که تفسیرهای جایگزین در خصوص تغییر تاریخی مبتنی بر ملاحظات طبقاتی، اقتصاد، جغرافیا و آب و هوا، به ندرت مطرح شده و یا به ندرت به طور گسترده مورد بحث قرار گرفته است. بی‌گمان لئون کایتانی^۱ یک زمانی مطالعه‌ای در خصوص تغییر آب و هوا به عنوان موتور محرکه فتوحات اعراب در قرن هفتم م. / اول هجری انجام داد^۲ و الیاهو اشتور^۳ اعتقاد داشت که ممالیک مصر با توجه به خاستگاه‌شان در منطقه سردسیر آسیای مرکزی معتاد به الکل بودند و در نتیجه از برقراری رابطه جنسی رنج می‌بردند و این مسئله مانع بازتولید طبقه ممالیک می‌شد.^۴ اما این تحقیقات و سایر نوشته‌های جبرگرایانه معمولاً به دلیل کمبود شواهد [از یک سو] و نیز به دلیل تمایل به نسبت دادن این تغییر مهم به کارهای فکری و ذهنی یا قدرت شمشیر و توپ [از سوی دیگر] مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته‌اند.

مارشال ج. اس. هاجسن^۵ که برای اکثریت مورخان اسلام دوره میانه سخنرانی می‌کرد، «رهنمودی اساسی» را مطرح کرد که سرانجام به اثر ماندگار او به نام خطر اسلام منجر شد. [وی در این اثر یادآوری کرد که]:

ما باید سه نوع اعمال فردی را از هم متمایز کنیم. نخست اعمالی که از لحاظ تاریخی تصادفی‌اند... دوم آنهایی که از لحاظ تاریخی تراکمی‌اند، زیرا این اعمال به منافع اقتصادی، زیبایی‌شناختی و حتی معنوی گروه پاسخ می‌دهند... اما در نهایت، بعضی‌ها را بایستی از لحاظ تاریخی اعمال سازنده نامید. اعمال اتفاقی شاید در کوتاه مدت تعیین‌کننده باشند... اما معمولاً در تاریخ درازمدت نادیده گرفته می‌شوند... [در خصوص اعمال تراکمی] ما باید در واقع مطالعه نقش منافع را با نهایت ملاحظه بدبینانه کم اهمیت نشان دهیم... آنچه که من آن را

1. Leone Caetani.

2. Neville Brown, *History and Climate Change* (London: Routledge, 2007), p. 111.

3. Eliyahu Ashtor.

۴. روابط شخصی سال ۱۹۷۳. این موضوع برای پروفیسور اشتور مسئله جالبی بود و کار او بعداً راهنمایی برای مورخان تاریخ اقتصادی اسلام در دوره میانه شد.

5. Marshall G. S. Hodgson.

اعمال سازنده نامیده‌ام، آنهایی هستند که در مقایسه با گشایش فرصت‌های جدیدی که اشخاص دیگر به طور مثبتی به آن پاسخ می‌دهند، با تقویت شدن مجدد توسط سایر اعمال با همان منافع، کمتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند و اعمالی هستند که به دلیل اهمیت اخلاقی درازمدتشان جلوه خاصی یافته‌اند.^۱ مخرج مشترک همه اینها در اینجا عمل فرد است، اما در مجموع - طبق آنچه که من از عبارت هاجسن در مورد «تراکم تاریخی» فهمیدم - اعمال اشخاص، عموماً حاصل نقش منافع است. به عبارت دیگر، هاجسن عمل افراد را به عنوان اعضای گروه‌ها می‌پندارد و گروه‌ها نیز با فشارهایی از سوی محیط‌های اقتصادی، و حتی زیبایی‌شناختی و معنوی‌شان و ادار [به عمل] می‌شوند. هاجسن در توصیف «بدینی» ملاحظات مورخانی که نقش فشارهای اجباری را مطالعه می‌کنند، اهانت خودش را به مطالعاتی آشکار می‌کند که بر موضوعاتی تمرکز می‌کنند که شخصیت‌ها در آن کنترل نداشته و حتی در ارتباط با آن آگاهی عملی نداشته‌اند.

هاجسن این مسئله را با اعمال فردی «سازنده» که پیامدهای تاریخی درازمدت دارند، مورد مقایسه قرار می‌دهد. در اینجا بین این صورت‌بندی [هاجسن] و دیدگاه گنورگ فردریش هگل درباره شخصیت‌های «تاریخی - جهانی» که اعمال‌شان روند ترقی روحیه‌ایی را پیش می‌برد و تحقق تدریجی‌اش گوهر و جهت تاریخ جهان است، همانندی وجود دارد. اما فرد «سازنده» مورد نظر هاجسن با توجه به اهمیت اخلاقی درازمدتش ارزیابی می‌شود، در حالی که هگل شخصیت‌های «تاریخی - جهانی»‌اش را از هر نوع ارزیابی معمولی ارزش اخلاقی مبرا می‌کند.

آنچه که هدف مطلق روح ایجاب کرده و به انجام می‌رساند - آنچه که مشیت الهی به انجام می‌رساند - فراتر از الزامات و شمول اتهام و انتساب انگیزه‌های خوب و بد قرار می‌گیرد که به سبب روابط اجتماعی به ویژگی‌های شخصی مربوط می‌شود. آنهایی که در زمینه‌های اخلاقی و در نتیجه با انگیزه‌های اصیل پایداری کرده‌اند تا پیشرفت دیدگاه معنوی را ناگزیر سازند، نسبت به آنهایی که - تحت هدایت یک اصل برتر - جنایاتشان را به ابزاری برای تحقق اهداف این اصل تبدیل کرده‌اند، فراتر از [جایگاه] ارزش اخلاقی ایستاده‌اند.^۲

1. Marshal G. S. Hodgson, *The Venture of Islam*, vol. 3 (Chicago: University of Chicago Press, 1975), pp. 5-6.
2. Georg Wilhelm Friedrich Hegel, *The Philosophy of History* (London: The

هاجسن با مستثنی کردن فاتحان ظالم از دسته‌بندی خودش در باره شخصیت‌های «سازنده» تاریخی، [دیدگاه] خود را از هگل متمایز می‌سازد. توجه وی بیشتر معطوف به شخصیت‌هایی با وزنه اخلاقی، مانند حلاج یا ابن تیمیه است؛ و در این توجه و علاقه وی، من پژوهاک سخنرانی آ.ر. گیپ در سال ۱۹۶۰ در دانشگاه هاروارد را می‌شنوم که وی ضعف اخلاقی دودمان اموی در قرن هشتم م. / دوم هجری به عنوان عامل اساسی [سقوط این خاندان] توصیف کرد و در مقابل، پیروزی صلاح‌الدین در اتحاد مسلمانان علیه صلیبیان در چهار قرن بعد را اساساً ناشی از موفقیت اخلاقی دانست.

گاهی قهرمانان اخلاقی با شخصیت‌های «تاریخی - جهانی» مورد نظر هگل هم‌پوشانی دارند، که توماس کارلایل در کتابش با عنوان «قهرمانان، قهرمان‌پرستی و قهرمان در تاریخ» به طور آشکار بیان می‌کند، محمد خودش را نمونه بارزی از این قهرمانان معرفی می‌کرد.^۱ اما علاقه شخصی من به عنوان یک مورخ، نه قهرمانان، بلکه مردان و زنان معمولی هستند. من، نگاه به زندگی مردمانی که قرن‌ها پس از فتوحات اعراب در تصمیم‌گیری برای اینکه آیا خودشان را به عنوان مسلمان یا غیرمسلمان معرفی کنند، ناچار بودند گزینه‌های سختی را انتخاب کنند و در انتخاب این گزینه‌ها ناچار بودند تا بین انواع فشارهای اجتماعی و اقتصادی تعادل برقرار کنند، بدبینانه تلقی نمی‌کنم. افرادی که پس از تأملات طولانی اخلاقی یا معنوی و با ممارست دراز مدت مسلمان شدن را برگزیدند، نسبت به آنهایی که به مذهب تازه پیوستند تا مزیت اقتصادی کسب کنند یا خویشاوندانشان را خشنود سازند، عامل تاریخی بزرگتری نبودند. در مجموع، آنها همگی با اسلام آوردن تدریجی در یک جامعه اکثراً مسلمان، غیرقابل تشخیص شده‌اند. یک الهیاتی یا صوفی آبرومند که جدش به این دلیل به اسلام گرویده بود که به جای کشت گندم برای یک کدخدای زردشتی، با کشت پنبه برای یک زمیندار عرب بهتر بتواند خانواده‌اش را حمایت کند، به خاطر این [روش] مادیات پرستی جدش احساس شرمساری و بی‌آبرویی اخلاقی نمی‌کرد.

با نگاه دقیقتر به تصویر هگل از عامل شخصیت تاریخی، من باور دارم که

Colonial Press, 1900), p. 67.

1. See Chapter 2, "The Hero as Prophet. Mohomet Islam", available as an etext at [www. Guttenberg. org](http://www.Gutenberg.org).

تصمیم رؤسای خانواده‌های صحراگرد برای جستجوی چراگاه‌های تازه در مواجهه با وخامت اوضاع محیطی، نسبت به اعزام تعدادی از جنگجویان گروه ضربت توسط یک خان قبیله‌ایی، تأثیر بیشتری در تاریخ داشته است. جنگجویان گروه ضربت آمدند و رفتند و فرماندهان‌شان به خاطر قدرت و ویرانگری بی‌دلیل‌شان شهرت کسب کردند؛ اما مهاجرت یک قوم در نتیجه تصمیم جمعی مردم عادی برای [چرای] دام‌ها، غارت بسیاری از شهرهای بزرگ را پایدارتر کرد.

در نتیجه، در ارائه این سخنرانی‌ها، نوعی بازسازی در مورد فهم بعضی از ویژگی‌های تحولات کشاورزی و آب و هوایی ایران صورت گرفت و پیشنهاد شده که این تحولات عمیقاً روند تاریخ ایران و اساساً تاریخ جهان را تحت تأثیر قرار داده است، بنابر این من خود را به عنوان [تنها] مدافع [نظریه] جبر اقتصادی و آب و هوایی نمی‌بینم و اساساً به [نقش] اهمیت عامل فردی انسانی در تاریخ معتقد مانده‌ام. اما به همین میزان نیز باور دارم که تصمیم‌هایی که توسط افراد عادی گرفته می‌شود پیچیدگی‌ها را جبران می‌کند و فشارهای مقطعی^۱ زندگی شخصی این افراد یک نیروی انگیزشی در تاریخ فراهم می‌کند که به اندازه اندیشه و کردار قهرمان اخلاقی هاجسن یا شخصیت‌های «تاریخ جهانی» هگل، شایستگی و مشروعیت مطالعه دارند.



در اینجا مایلیم تا از کمک‌ها یا نظریات ارزشمند چند نفر سپاسگزاری کنم: آن کاهن و دیوید کوینگ^۲ که سال‌ها پیش اطلاعاتی در باره آب و هوای بغداد گردآوری کردند؛ پیترو سینات^۳ که دانش گسترده‌اش در باره جغرافیای آسیای مرکزی در اختیار من گذاشت؛ جمشید چوکسای^۴ که اطلاعاتی در باره موضوعات زرتشتیان به من ارائه داد؛ آصف خلدانی که برای فهم تاریخ قم مرا راهنمایی کرد؛ و محسن آشتیانی که ترجمه جدید تاریخ بیهقی را در اختیار من قرار داد که وی به همراه کلیفورد اموند باسورث با پشتیبانی احسان یارشاطر آماده کرده بودند و اظهارات بسیار ارزشمندی

1. cross-cutting.

2. Ann Kahn and David Koenig.

3. Peter Sinnott.

4. Jamsheed Choksy.

از روی نسخه دست‌نویس ارائه داد؛ رمزی رویی^۱ که دیدگاه انتقادی در خصوص مبالغه عقلی، دیدگاه مرا از آنچه که بود فراتر برد؛ و مهمتر از همه حسین کمالی که با تخصص کتابشناسی، مهارت‌های زبان‌شناسی و اشتیاقش برای ساعت‌های متمادی بحث درباره موضوعات مهم تا تکیه روی جزئیات بی‌اهمیت، بی‌اندازه ارزشمند بود. روزان دآریگو و گوردون ژاکوبی^۲ از آزمایشگاه تری رینگ، رصدخانه لامونت داهرتی کلمبیا^۳ سخاوتمندانه کمک فنی ارزشمندی فراهم کردند. لازم به یادآوری است که هر خطایی که در این کتاب وجود دارد تنها بر عهده من است. همچنین باید از خانم کارول فرولیچ^۴ به خاطر کمکش در جمع‌آوری تصاویر تشکر کنم.

1. Ramzi Rouighi.

2. Rosanne D'Arrigo and Gordon Jacby.

3. Tree-Ring Laboratory of Columbia's Lamont-Doherty Earth Observaory.

4. Carole Frohlich.